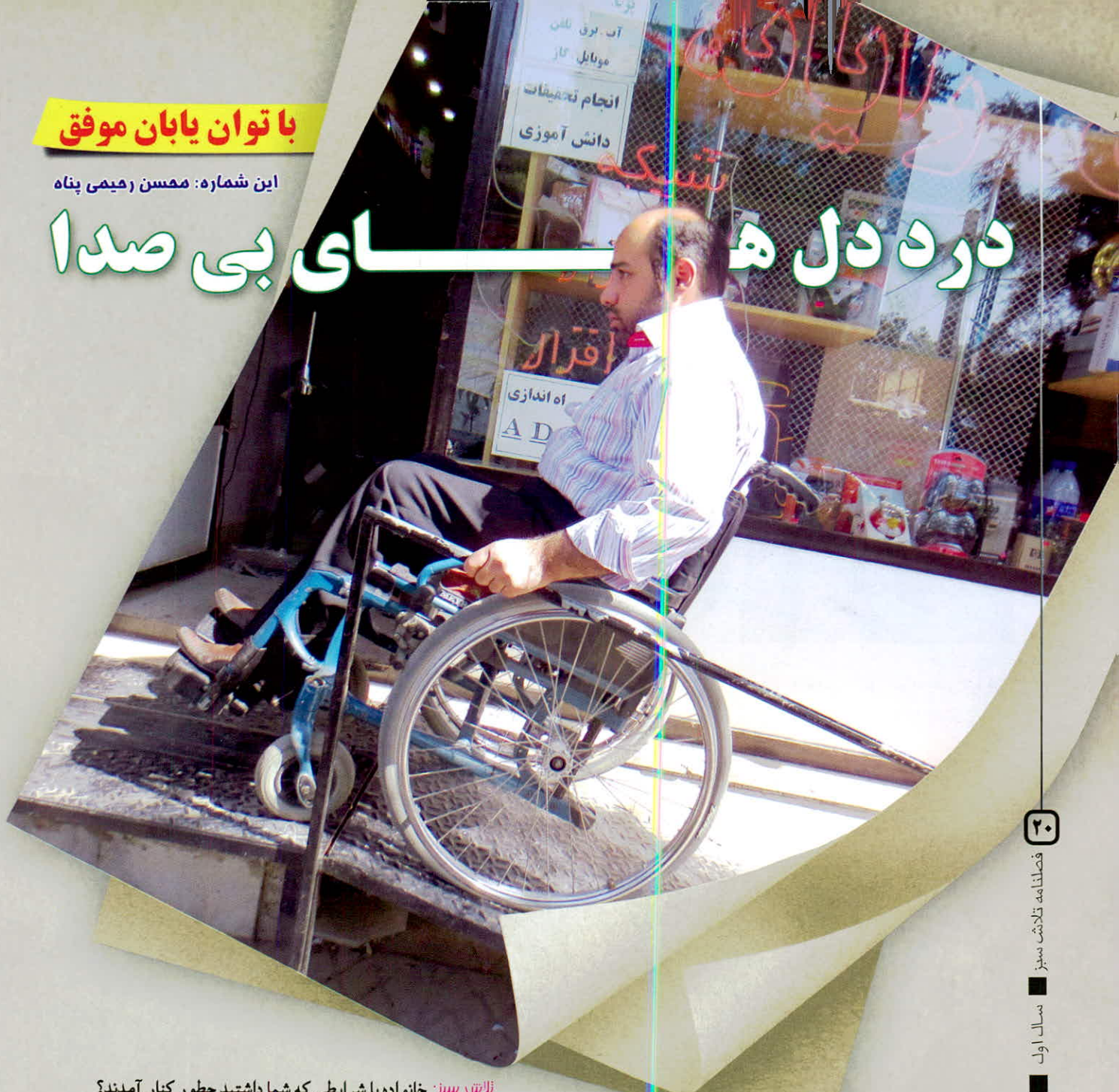


با توان یابان موفق

این شماره: محسن رحیمی پناه

درد دل های بی صدا



۳۰

فصلنامه تلاش سبز ■ سال اول

شماره ۴

تابستان ۱۳۹۲

نلاتق سبز: خانواده با شرایطی که شما داشتید چطور کنار آمدند؟

خدایا شکر سن پایین باعث شد یک سری مسائل را نفهمم و بدلیل سنم اکثرا در منزل بودم و بار زیادی روی دوش خانواده

نلاتق سبز: چه چیزی باعث شد که بدون افسردگی به زندگی ادامه دهید؟

هر چه بزرگتر می شدم مشکلات هم بیشتر می شد درک مشکلم چه در خانواده چه در جامعه سخت تر می شد و تنها امید و توکلم به خداوند باعث شده که تا همین الان با انگیزه و عشق به زندگی ادامه دهم.

نلاتق سبز: چه کسانی بیشتر حمایتتان کردند؟

من برای بهتر شدن شرایط ام از هیچ کس کمک نگرفتم و نخوا هم گرفت. چون هیچ وقت هیچ کس من رو تشویق نکرده و فقط سوالات خود را که در ذهنشان بی جواب است می پرسن؛ که مثلا: (چطور با شرایط کنار می آیی، چطور کار های روزمره را تنها انجام می دهی و...)

به سراغ یکی دیگر از توان یابان موفق آمدم که گر چه که توان راه رفتن ندارد ولی با پای قدرتش سال هاست با انگیزه و هدف تلاش می کند:

نلاتق سبز: لطفا خودتان را معرفی کنید و بگویید چگونه دچار معلولیت شدید؟

محسن رحیمی پناه متولد ۱/۱/۱۳۶۲ هستم که بر اثر پرت شدن از بلندی در سال ۱۳۶۸ از ناحیه نخاع ۱0 دچار معلولیت شدم.

نلاتق سبز: از تحصیلاتتان بگویید و اینکه با وجود معلولیت چگونه تحصیل کردید و تا چه مقطعی؟

در رشته کامپیوتر مقطع کارشناسی تحصیل کردم اما به دلیل مشکلات فراوانی که در رفت و آمد داشتم ۱۰ واحد مانده بود که مدرکم را بگیرم متاسفانه ادامه ندادم و تصمیم دارم در اولین فرصت تغییر رشته داده و دوباره ادامه تحصیل بدهم.

نلاتن سبز: فکر می کنید به همه خواسته هاتون رسیده اید؟

بله اگر اغراق نباشد کسانی هستند که شاید چه از نظر مالی، و چه از نظر تحصیلات از من بالا تر باشند ولی به جرات میگویم که امید و انگیزه‌ی من رو ندارند و فقط رفع تکلیف کرده در پیله‌ای که دور خود تنیده اند زندگی می کنند. من با شرایطی که دارم باز هم از زندگی لذت می برم.

نلاتن سبز: با شناختی که از خودتان دارید چقدر می توانید بهتر از این

چیزی که هستید باشید؟

صد درصد دوست دارم به بهترین جا و موقعیت برسم و هدفم این است که به دوستانی که مثل من با محدودیت های مواجه هستند ماهی گیری را یاد بدهم تا دست تیاژ به ترحم دیگران نداشته باشند من به شخصه اگر حس کنم کسی دنبال ترحم کردن به من است ازش دور خواهم شد.

نلاتن سبز: فکر می کنید از نظر کاری و موقعیت انسان موفق هستید؟

در سال ۱۳۸۱ اولین استارت کارم رو با برادرانم زدیم و با قدرت کار کردم و ۱۲ سال در آن مکان کار کردیم و حتی آن مکان خریداری شد و ما توانستیم خودمان را در سطح کرج و تهران مطرح کنیم و بعد از سال ها با قدرتی که در خودم دیدم مغازه ای کوچک اجاره کردم و با توکل به خدا در حال فعالیت هستم. همیشه سعی می کنم به دیگران کمک کنم اعتقادم بر این است که باید خمس کارم را پرداخت کنم. دعای خیر اهمیت بیشتری دارد.

نلاتن سبز: در چه سالی ازدواج کردید؟

سال ۱۳۸۴ ازدواج کردم

نلاتن سبز: چگو نه با مجتمع رعد آشنا شدید؟

سال ها قبل از اینکه رعد ساختمانی داشته باشد در یک باغی همه بچه های قدیمی نشست داشتیم و مشغول فعالیت بودیم

نلاتن سبز: پیامی برای دوستان داری؟

دنبال دست ها نباشند، دست دهنده داشته باشند. ما باید خودمان شرایط زندگی را تغییر دهیم نه اینکه زندگی شرایط را تغییر دهد.

نلاتن سبز: نظرتان راجع به ویلچر به عنوان یک همراه همیشه چیست؟

از اینکه کسی پشت ویلچرم را بگیرد و پشت سرم راه بیاید، ناراحت می شوم و هرگز به هیچ کس حتی همسرم، اجازه این کار را نمی دهم، از همه خواهش می کنم در کنارم راه بیایند، تا زمانی که دستانم قدرت دارد خودم با ویلچرم همراهی می کنم.

نلاتن سبز: فکر می کنید حق تان را از زندگی گرفته اید؟

حق گرفتنی است و من تا جایی که قدرت دارم حقم را می گیرم و این حس ام را مدیون پدرم هستم، وقتی کار اشتباهی می کردم بین من با برادرانم هیچ فرقی نبود و کسی به من ترحم نمی کرد و همه کتک می خوردیم. پدرم با حرکات و رفتارش به ما یاد داد که باید به خودمان متکی باشیم و در هر شرایطی حتی معلولیت حقمان را خودمان بگیریم.

نلاتن سبز: از خانواده برامون صحبت کنید؟

پدر و مادرم خیلی من را دوست دارند و همیشه میگویند که قدرت و اراده ای که در تو هست در برادرانت نیست

نلاتن سبز: در زندگی دوست داری از چه کسانی تشکر کنی؟

تشکر مدل ها و مقطع های متفاوتی دارد. من یک عمر مدیون پدر و مادرم هستم که الان اینجام و من را تحت حمایت خودشان قرار دادند. بعد از همسرم که با وجود اینکه سالم است با من ازدواج کرده و ۸ سال است که با تمام شرایط من کنار آمده و به خاطر من حتی با خانواده اش مبارزه کرده.

نلاتن سبز: دلتون می خواد که چه چیزی داشته باشید که الان ندارید؟

خیلی دوست دارم از نظر مالی قوی باشم. با سختی کار و تلاش کردم و همه چیز دارم. خانواده خوب. همسر خوب و دوستان خوب، خدا را شکر راضی هستم.

نلاتن سبز: برای شما درمانی وجود دارد؟

نه در کل دنیا درمانی وجود نداره و حتی برای بچه دار شدن باید آزمایشاتی را انجام دهیم که هزینه خیلی بالایی دارد.

نلاتن سبز: بالاخره معلولیت محدودیت است یا نیست؟

من عملاً به این جمله رسیدم که معلولیت محدودیت نیست. وقتی



ماشینم پنچر میشه خودم لاستیک را عوض می کنم. وقت بیشتری می برد، ولی خودم انجام می دهم. نردبان ۱۰ متری رو با کمک دستنم بالا رفتم فقط برای اینکه به خودم ثابت کنم می توانم.

نلاتن سبز: و حرف آخر؟

امیدوارم همه ی بچه های توان یاب حتی بدون پا بتوانند روی پای خودشان بایستند. و به خودشان متکی باشند و در عین معلولیت حرفی برای گفتن داشته باشند.